

همه‌پرسی استقلال اسکاتلند و پیش‌بینی روندهای محتمل

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۹۰۸

مهرماه ۱۳۹۳

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	۱. تاریخچه اتحادیه بریتانیا
۶.....	۲. موقعیت اسکاتلند در پادشاهی متحده
۹.....	۳. وجاهت حقوقی همه‌پرسی استقلال اسکاتلند
۱۰.....	۴. عوامل مؤثر در مخالفت اسکاتلندی‌ها با استقلال
۱۵.....	۵. پیامدهای همه‌پرسی
۲۱.....	نتیجه‌گیری
۲۳.....	پی‌نوشت‌ها



همه‌پرسی استقلال اسکاتلند و پیش‌بینی روندهای محتمل

چکیده

بریتانیا بازیگری کثیرالمله بوده که موجودیت آن مرهون سیاست‌های استعماری به‌شمار می‌آید. موجودیت و حیات سیاسی اسکاتلند بر همین سیاق تابعی از اراده و تمامیت امپراتوری بریتانیا شد و به همین دلیل نیز این ملت هرگز خود را بخشی از بریتانیا ندانسته و بر این اساس از ادعای تاریخی استقلال دست برداشت. تمایل و گرایش عمومی اسکاتلندی‌ها به استقلال سرانجام به امضای موافقتنامه «ادینبورگ» در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ منتهی شد که به موجب آن قرار شد همه‌پرسی برگزار شود و رأی مثبت یا منفی مردم این سرزمین به منصف ظهور برسد. این رفراندوم دارای وجهت حقوقی بوده و دولت مستقر در لندن با این موافقتنامه موضوع را از صلاحیت انحصاری خود خارج ساخت. سرانجام این همه‌پرسی در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴ برگزار و برخلاف جریان تاریخی با تفاوت آرای اندکی (۵۵ درصد مخالفان در برابر ۴۵ درصد موافقان) به نفع مخالفان استقلال به پایان رسید. پرسشی که پیش روی کارشناسان قرار می‌گیرد آن است که چگونه این جریان عمومی دیرینه و تاریخی، فرصت مهم ناشی از همه‌پرسی را از دست داده و رأی به عدم استقلال داده است. به عقیده اکثر صاحب‌نظران، عوامل محیطی مانند شرایط بحرانی اقتصاد، سیاست‌های تطمیع و تهدید دولت انگلیس، سیاست‌های سرسختانه نهادهای بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و همچنین تشکیک در روند

همه‌پرسی و مهندسی آرا از مهمترین دلایلی بوده که به تغییر جریان عمومی آن هم در آخرین روزها و ماه‌های منتهی به برگزاری همه‌پرسی منجر شده است. این تحلیل بر فاصله اندک و ناچیز آرای موافقان و مخالفان استقلال اسکاتلند در فرآیند همه‌پرسی تأکید دارد، اما گذشته از نتیجه آرا، همه‌پرسی فی‌نفسه دارای پیامدهای مهم و معناداری بوده که معطوف به انگلیس و همچنین سایر نقاط اروپاست. در این نوشتار پیامدها در چند بخش مانند گسترش تمایلات استقلال‌طلبانه در انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، افول اعتبار و پرستیژ انگلیس، کاهش ارزش پول آن، چالش مطالبات مشترک موافقان و مخالفان استقلال از جمله احقاق حقوق طبیعی اقتصادی و انتقال سلاح‌های هسته‌ای از اسکاتلند مورد بررسی قرار می‌گیرد. بسیاری از این پیامدها در صورت رأی مثبت به استقلال اسکاتلند از ابعاد وسیع‌تری برخوردار می‌شد و آثار منفی آنها بر منافع انگلیس بارزتر به نمایش درمی‌آمد، اما با رأی منفی اسکاتلندی‌ها نیز این آثار با شدت متفاوت فعلیت یافته و منافع انگلیس و دیگر مناطق اروپایی را متأثر می‌سازد.

مقدمه

نام واژه بریتانیا، نام یکی از استان‌های امپراتوری رم باستان بود که شامل انگلستان، ویلز و شمال غربی فرانسه امروزی می‌شد. اسکاتلند کشوری است در شمال جزیره بریتانیا که به همراه انگلستان، ولز و ایرلند شمالی دولت پادشاهی متحده بریتانیا (United Kingdom) را با پایتختی لندن تشکیل می‌دهد. مساحت این بخش از جزیره بیش از ۷۸ هزار کیلومتر مربع و شامل ۷۹۰ جزیره بزرگ و کوچک است. مرکز اسکاتلند شهر تاریخی ادینبورگ است. این شهر دومین شهر بزرگ اسکاتلند و یکی از مراکز مهم اقتصادی و



بانکداری اروپاست و مرکز اصلی بانک سلطنتی اسکاتلند که یکی از ۵ بانک بزرگ جهان به‌شمار می‌رود، در این شهر قرار دارد. شهر گلاسگو بزرگ‌ترین شهر اسکاتلند و یکی از ۳ شهر بزرگ کشور بریتانیاست. گلاسگو و حومه آن حدود ۴۱ درصد کل جمعیت اسکاتلند را در خود جای داده است. سومین شهر بزرگ اسکاتلند و مرکز فعالیت صنعت نفت بریتانیا شهر ابردین در شمال شرق اسکاتلند است.

با توجه به پیشینه تاریخی و بر اساس اهمیت اسکاتلند که به‌ویژه از ابعاد اقتصادی قابل تأمل است، مردم این سرزمین همواره ادعای استقلال از انگلیس را مطرح کرده‌اند و سرانجام نیز نخست‌وزیر انگلیس و وزیر ارشد کابینه اسکاتلند، موافقتنامه برگزاری همه‌پرسی برای استقلال اسکاتلند از انگلیس را امضا کردند. دیوید کامرون و آلکس سالموند، پس از ماه‌ها مذاکره، در ادینبورو (اسکاتلند) موافقتنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن توافق خود را با برگزاری همه‌پرسی استقلال اسکاتلند از انگلیس در سال ۲۰۱۴ اعلام کردند. اگرچه کامرون به‌شدت با استقلال اسکاتلند از انگلیس مخالف است، اما درگیری‌های دو کشور در سال‌های اخیر، سرانجام وی را ناگزیر به پذیرش این همه‌پرسی کرد. دولت انگلیس ضمن اعلام محدود بودن سؤالات همه‌پرسی به دو گزینه «آری» یا «نه»، با طرح گزینه‌ای دیگر درباره واگذاری اختیارات بیشتر به اسکاتلند در صورت مخالفت عمومی با استقلال آن، مخالفت کرده است.

به عقیده طرفداران استقلال، اسکاتلند هرگز بخشی یا جزئی از خاک انگلستان نبوده و یک کشور نیمه‌مستقل است. بنابراین، استقلال کامل این کشور، «تجزیه نیست» بلکه ترک، خروج و پایان دادن به پیمان اتحادی است که ۳۰۷ سال پیش بین دو کشور انگلستان و اسکاتلند بسته شده بوده است.

اتحادیه کنونی بریتانیا ثمره صدها سال جنگ میان دو بخش شمالی و جنوبی جزیره بریتانیاست. بریتانیا تنها در سال ۱۹۲۲ و بعد از جنگ‌های خونین استقلال به جدایی بخش جنوبی و کاتولیک‌نشین جزیره ایرلند رضایت داد. با وجود این، تنها با امضای یک موافقتنامه و بدون لشگرکشی و جنگ، سرنوشت استقلال اسکاتلند و جدایی از بریتانیا به رأی‌دهندگان محلی سپرده شد. براساس نتایج گمانه‌زنی‌های متعدد، با یک نوسان چشمگیر ۵ روز پیش از برگزاری همه‌پرسی مشخص شد ۵۴ درصد از مردم اسکاتلند به جدایی از بریتانیا رأی مخالف خواهند داد. نتایج نهایی رفراندوم استقلال اسکاتلند از بریتانیا صبح روز جمعه ۲۸ شهریورماه اعلام شد. در این رفراندوم ۵۵ درصد از مردم اسکاتلند به این استقلال رأی منفی دادند. شمار شرکت‌کنندگان در این همه‌پرسی بیش از ۸۵ درصد بوده است. از میان ۳۲ حوزه رأی‌گیری، موافقان استقلال اسکاتلند تنها در ۴ حوزه از جمله «گلاسکو» اکثریت آرا را به دست آوردند. در شهر ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند، مخالفان استقلال ۶۱ درصد آرا را داشتند. با پاسخ منفی ساکنان اسکاتلند در این همه‌پرسی، کشور واحدی که حدود سیصد سال پیش با وحدت انگلستان و اسکاتلند شکل گرفت، همچنان دوام خواهد داشت.

۱. تاریخچه اتحادیه بریتانیا

در سال ۱۵۳۶ میلادی، دو کشور انگلستان و ویلز با یکدیگر متحد و سنگ بنای اتحادیه‌ای که دیرتر «بریتانیا» خوانده شد را گذاشتند. سپس در سال ۱۶۰۶ میلادی، جمیز ششم اسکاتلند، که به نام جمیز یکم بر تخت پادشاهی نشسته بود، خواهان تشکیل یک کشور متحد شد و پرچم رسمی را که آمیزشی از دو پرچم اسکاتلند و



انگستان بود تغییر داد، ولی اسکاتلندی‌ها حاضر به شرکت در این اتحادیه نبودند، تا آنکه در ۱ ماه مه سال ۱۷۰۷ میلادی، رسماً اتحادیه‌ای با پیوند سه کشور انگلستان، اسکاتلند و ویلز، به نام «اتحادیه بریتانیای کبیر» تشکیل شد.

از منظر تاریخی جدایی دو بخش اسکاتلند و انگلیس همواره مطرح بوده است و پادشاهان اسکاتلند در طول تاریخ بارها برای کسب استقلال از بریتانیا با پادشاه بریتانیا جنگیده و در اغلب موارد شکست خورده‌اند و در برخی موارد نیز پیروز شده‌اند که یکی از مهمترین این جنگ‌ها نبرد «بانوکرن» در ژوئن ۱۳۱۴ بود که با پیروزی «رابرت یکم» پادشاه اسکاتلند و گریختن «ادوارد دوم» پادشاه بریتانیا به انگلیس خاتمه یافت و جالب اینکه فراندوم استقلال اسکاتلند در هفتادمین سالگرد این جنگ برگزار شد که خاطره‌ای شیرین برای بسیاری از اسکاتلندی‌هاست.^(۱)

در سال ۱۸۰۱ میلادی با پیوستن ایرلند به اتحادیه، نام آن به «اتحادیه پادشاهی بریتانیا و ایرلند» تغییر یافت و پرچم امروزی با افزودن پرچم ایرلند بدان، که «اتحادیه جَک»^۱ نام دارد، پدید آمد. پیش از جنگ جهانی اول، ایرلندی‌ها به خاطر اجحاف و ابراز تبعیض از سوی انگلیسی‌ها، تصمیم به ترک اتحادیه گرفتند، که با مقاومت روبرو و سرانجام با جنگ و خونریزی در سال ۱۹۲۲ اتحادیه را ترک گفتند و برای خود «جمهوری ایرلند» یا «ایرلند جنوبی» را تشکیل دادند. بخش شمالی ایرلند، به خاطر نفوذ و نزدیکی مردمانش به اسکاتلندی‌ها و نیز تمرکز نیروهای انگلیسی‌ها تا به امروز همچنان در اتحادیه باقی مانده است. پس از ترک ایرلند، اتحادیه به «اتحادیه پادشاهی

بریتانیا و ایرلند شمالی^۱ تغییر نام داده شد که تا به امروز همچنان نام رسمی آن کشور می‌باشد و با نام اختصاری UK شناخته می‌شود. البته بخش شمال غربی ایرلند شمالی که «آیر» نام دارد، از سال ۱۹۳۷ با انگلیسی‌ها وارد جنگ شدند، تا سرانجام در سال ۱۹۴۹ آزاد و به ایرلند جنوبی پیوست.^(۲)

در سال ۱۹۹۷ و پس از برگزاری همه‌پرسی دیگری، اسکاتلند پس از ۳۰۰ سال دارای یک پارلمان محلی شد. به موجب توافقنامه روز ۱۵ اکتبر، هولی رود (پارلمان اسکاتلند)، حق برگزاری همه‌پرسی و نظارت بر انجام آن را به‌دست آورده است. همه‌پرسی برای استقلال اسکاتلند در سپتامبر ۲۰۱۴ برگزار شد و در آن ۱۶ ساله‌ها نیز از حق رأی برخوردار شدند. پس از اعلام تصمیم حزب ملی‌گرای طرفدار جدایی اسکاتلند از بریتانیا دایر بر انجام همه‌پرسی در این زمینه، دیوید کامرون نخست‌وزیر بریتانیا ضمن ابراز مخالفت با برگزاری همه‌پرسی تأکید کرد که پارلمان محلی اسکاتلند به تنهایی دارای حق برگزاری همه‌پرسی برای استقلال نیست. به موجب توافقنامه روز ۱۵ اکتبر، هولی رود (پارلمان اسکاتلند)، حق برگزاری همه‌پرسی و نظارت بر انجام آن را به‌دست آورده است.

۲. موقعیت اسکاتلند در پادشاهی متحده

سرزمین اسکاتلند با طبیعت سخت و تاریخ ده هزار ساله‌اش، بخش شمالی جزیره بریتانیا به‌شمار می‌رود. این سرزمین کوهستانی از حدود ۲۰۰۰ سال پیش تا ابتدای قرن هجدهم به نوبت در معرض حملات وایکینگ‌های نروژی و سوئدی از راه دریای شمال،

1. The United Kingdom of Britain and Northern Ireland



امپراتوری روم و سپس پادشاهان انگلوساکسون از راه جنوب قرار داشته است. شکست بزرگ نیروهای متحد شده اسکاتلند از پادشاهی انگلیس در سال‌های پایانی قرن ۱۷ و همچنین فراهم بودن شرایط سیاسی و اقتصادی برای اتحاد در ابتدای قرن ۱۸، زمینه پیوستن دو کشور در اتحادیه سال ۱۷۰۷ را فراهم ساخت و با رأی اکثریت در پارلمان اسکاتلند اتحاد دو کشور شکل گرفت. ملی‌گرایان اسکاتلند، علیرغم تفاوت‌های مذهبی و قبیله‌ای در درون خود، خاطره شکست‌های متوالی از پادشاهان انگلیس را به دست فراموشی نسپرده‌اند. دوران فقر سال‌های پس از جنگ جهانی دوم جدایی چپ‌گرایان و ملی‌گرایان اسکاتلند از طرفداران اتحادیه در داخل و دشمنی آشکار این دو گروه با انگلیس را تشدید کرد.

از میانه قرن ۱۸ تا میانه قرن ۲۰، اسکاتلند دوران شکوفایی محسوسی را تجربه کرد و در سال‌های ۱۸۵۰ و در نتیجه ارتباط نزدیک با فرانسه، اسکاتلند به یک حوزه قدرتمند فرهنگی و علمی در اروپا تبدیل شد. در سال‌های یاد شده، اسکاتلند با داشتن بیش از ۷۵ درصد جمعیت باسواد، جلوتر از بقیه کشورهای اروپایی قرار داشت. مکتب اقتصادی آدام اسمیت اسکاتلندی و مبتکر واژه «اقتصاد سیاسی»، راهنمای مقدس اقتصاد بازار و تجارت در دنیای آزاد به‌شمار می‌رود. در دوران انقلاب صنعتی، اسکاتلند به یک مرکز صنعتی قدرتمند اروپایی تبدیل شد. بزرگ‌ترین شهر اسکاتلند، گلاسگو، بعد از لندن تا سال‌های جنگ دوم جهانی دومین شهر بزرگ بریتانیا و بزرگ‌ترین مرکز کشتی‌سازی و ساخت لوکوموتیو در قاره قدیم بود. دوران افول اقتصادی اسکاتلند از سال‌های پس از جنگ دوم جهانی آغاز شد و متوسط سطح زندگی به تدریج از شهرهای بزرگ انگلیس عقب ماند.^(۳)

اسکاتلند دارای منابع غنی نفت و گاز در دریای شمال و دانشگاه‌های سرشناسی در شهرهای بزرگ و کوچک است. طبیعت کوهستانی و جمعیت اندک (پنج میلیون نفر با رشد جمعیت منفی) ترکیب مناسبی برای دست یافتن به رشد اقتصادی سریع در دنیای امروز نیست. با وجود این، حزب ملی‌گرای حاکم تبلیغ می‌کرد که در صورت رسیدن به استقلال، اسکاتلند از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار خواهد شد. مخالفان استقلال و طرفداران اتحادیه که بیشتر از طبقه مرفه و تکنوکرات‌ها تشکیل شده‌اند، ادامه حضور در اتحادیه را به مصلحت کشور خود می‌دانند. تا دو سال پیش حزب طرفدار استقلال تبلیغ می‌کرد که پس از جدایی از بریتانیا، اسکاتلند به‌طور مستقل به اتحادیه اروپا خواهد پیوست و واحد پول اروپایی را به‌عنوان پول ملی قبول خواهد کرد. بحران مالی دو سال اخیر این هدف را تغییر داد و حزب طرفدار استقلال که دولت محلی اسکاتلند را در اختیار دارد مدعی شد که پس از استقلال احتمالی نیز پوند را همچنان به‌عنوان پول ملی حفظ خواهد کرد. نظر کارشناسان اقتصادی آن است که بحران بدهی و ریاضت اقتصادی برای اسکاتلند ادامه دارد. قطعاً زیربنای اقتصادی اسکاتلند مستقل، مهم‌ترین بحث همه‌پرسی ۲۰۱۴ بوده است. حزب ملی اسکاتلند تلاش زیادی کرد تا به مردم این اطمینان را بدهد تا فضای کسب‌وکار در این کشور دچار مشکل نمی‌شود. از همین رو مسئولین این حزب اعلام کردند که در صورت استقلال، پوند انگلیس را به‌عنوان واحد پولی خود نگه می‌دارند و بانک مرکزی انگلیس را به‌عنوان بانک مرجع به رسمیت می‌شناسند. تصمیماتی که برای جلوگیری از فروپاشی نظام اقتصادی اسکاتلند ضروری به‌نظر می‌رسید. همچنین کمیسیون مالی حزب مدت‌هاست به مطالعه اقتصاد اسکاتلند مستقل پرداخته و در نهایت سندی ۲۲۱ صفحه‌ای را منتشر کرد.^(۴)



به‌طور خلاصه در این سند آمده است که به‌رغم همه محدودیت‌ها با توجه به انعطاف‌پذیری سرزمین اسکاتلند، استقلال این سرزمین شدنی است. این سند همچنین اشاره می‌کند که بستن یک قرارداد جهت ثبات مالی به مدت ۵ سال با انگلستان پس از کسب استقلال امری است حیاتی، ولی در همین زمینه این نگرانی وجود دارد که بدون قانون اساسی پیش رو، تدوین یک چنین قراردادی ممکن است این کشور را دچار مشکل کند. با همه اینها برخی اسکاتلندی‌ها معتقد بودند که در صورت استقلال مشکلات جدیدی به وضع اقتصاد ریاضتی آنها افزوده می‌شود و این‌گونه است که بخش زیادی از افکار عمومی اسکاتلند با مسئولین حزب ملی آن در این زمینه هم‌فکر نبودند و همین امر هم یکی از عوامل جدایی آرای مردم از این حزب را فراهم ساخت.

۳. وجاهت حقوقی همه‌پرسی استقلال اسکاتلند

از نظر قانونی همه‌پرسی استقلال اسکاتلند از چند جهت دارای وجاهت بوده و مشروع است که این امر خود به نتیجه همه‌پرسی نیز تسری می‌یابد. اسکاتلند به دو دلیل مطلقاً حق دارد مستقل شود؛

اول اینکه لندن همیشه به‌صورت ضمنی و حتی اخیراً به شکل آشکار حق تعیین سرنوشت اسکاتلند را پذیرفته است، زیرا پادشاهی متحد بریتانیا همواره خود را به‌صورت اتحادیه‌ای دیده که از اتحاد داوطلبانه چند ملت شکل گرفته است و هیچ ملتی را نمی‌توان برخلاف میل و اراده آن درون اتحادیه نگه داشت.

دلیل دوم این است که لندن از زمانی که اسکاتلندی‌ها در سال ۲۰۱۱ اکثریت مطلق پارلمان را نصیب حزب ملی اسکاتلند کردند (که حزب اصلی خواهان استقلال

است)، مشروعیت برگزاری referendum را پذیرفته است. مسئله قانونی بودن برگزاری referendum در اکتبر ۲۰۱۲ بین لندن و ادینبورگ حل شد. آزمون توافقنامه‌ای موسوم به «توافقنامه ادینبورگ» امضا شد که این مسئله در آن مورد بررسی قرار گرفت. این توافقنامه حق قانونی برگزاری referendum را از لندن به ادینبورگ منتقل می‌کند. تا آزمون، تنها لندن از این حق قانونی برخوردار بود که مجوز برگزاری referendum استقلال را اعطا کند، زیرا این موضوع به قانون اساسی مربوط می‌شد. لندن با این توافقنامه اعلام کرد که نتیجه referendum را می‌پذیرد. در مورد مقایسه استقلال اسکاتلند از بریتانیا با استقلال کاتالونیا از اسپانیا می‌توان گفت که از این دیدگاه، وضعیت اسکاتلند با وضعیت کاتالونیا فرق می‌کند. کاتالان‌ها قصد دارند طی هفته‌های آینده رایزنی‌ها را آغاز کنند. در حالی که مادرید قانونی بودن یا مشروعیت چنین روند مشورتی را نپذیرفته است.^(۵)

۴. عوامل مؤثر در مخالفت اسکاتلندی‌ها با استقلال

سؤال اساسی در این زمینه آن است که علیرغم تمایل دیرینه و جدی مردم اسکاتلند برای استقلال از انگلیس چه عواملی باعث رأی منفی نیمی از مردم شد. عمده‌ترین دلایل در این زمینه عبارتند از:

۴-۱. سیاست‌های اعلامی و اعمالی دولت انگلیس

حزب سیاسی اصلی انگلیس اعلام کرده‌اند در صورتی که اسکاتلندی‌ها ماندن در بریتانیا را انتخاب کنند خودمختاری بیشتری در زمینه مالیات و هزینه‌های رفاهی دریافت خواهند کرد. گوردون براون نخست‌وزیر سابق انگلیس که چند روز قبل از



همه‌پرسی در اسکاتلند صحبت می‌کرد گفت که قوانین جدید به اسکاتلند خودمختاری بیشتری اعطا خواهد کرد. وی که همچنان عضو پارلمان انگلیس است نقش پیشرو را در کمپین «با یکدیگر بهتر است» ایفا می‌کرد. در پی اظهارات براون درباره اعطای امتیازات بیشتر به اسکاتلند، الکس سالموند نخست‌وزیر اسکاتلند گفت که این پیشنهادها امتیازات جدیدی ندارد. نمایندگان پارلمان نیز از «دیوید کامرون» نخست‌وزیر انگلیس درخواست کرده بودند تا شخصاً از ملکه الیزابت بخواهد در حمایت از اتحاد سخنرانی کند. درحالی که بنابر ادعاها ملکه الیزابت تلاش دارد تا درباره امور سیاسی نقشی خنثی داشته باشد، اما وی نگرانی شدیدی از رفتارندوم اسکاتلند ابراز داشت و خواستار ارائه گزارش روزانه درباره تحولات آن شد که این بیانگر آن است که ملکه خواستار متحد ماندن بریتانیا بود.

تلاش چند دهه‌ای دولت انگلیس برای پیشگیری از جدایی اسکاتلند از این کشور، آن را به سوی اعطای امتیازات و اختیارات بیشتر به سرزمین اسکاتلند سوق داده است. در روزهای منتهی به برگزاری همه‌پرسی این تلاش‌ها به اوج خود رسیده و سیاست خرید رضایت مردم اسکاتلند به وضوح به اجرا درآمد. دادن وعده‌هایی در راستای تفویض اختیارات و خودمختاری بیشتر به این سرزمین علیرغم اظهارات ضدونقیض، خود گویای تلاش‌های دولت انگلیس به منظور حفظ یکپارچگی و تمامیت بریتانیا بود. به گفته الکس سالموند رهبر حزب ملی اسکاتلند و کمپین موافقان استقلال، با پیروزی مخالفان، موضوع استقلال اسکاتلند دست‌کم تا سال‌ها مجدداً پیگیری نخواهد شد و ازسوی دیگر، وعده‌های متعدد رهبران سه حزب اصلی انگلستان از جمله تفویض اختیارات گسترده به پارلمان و دولت محلی اسکاتلند در زمینه‌هایی چون مالیات و ادامه

استفاده از فرمول بودجه «بارنت» و اعطای سهم از خزانه انگلستان به اسکاتلند دنبال می‌شود. به نظر می‌رسد همین وعده‌ها زمینه نزدیکی موافقان و مخالفان استقلال را فراهم ساخته است. از سوی دیگر، تهدیدهای مقامات لندن نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. بانک مرکزی بریتانیا و شرکت‌های بزرگ نفتی این کشور نظیر «شل» و «بریتیش پترولیوم» نیز اعلام کرده بودند که در صورت جدایی اسکاتلند ممکن است همکاری با این کشور را در دستور کار خود قرار ندهند.^(۶)

۲-۴. عوامل اقتصادی

در شرایطی که اروپا یک بحران اقتصادی بزرگ را تجربه کرده و هنوز هم درگیر آثار و پیامدهای آن است، تصمیم‌گیری برای استقلال آن هم برای ملتی کم‌جمعیت و با وابستگی‌های عمیق اقتصادی به کشور متبوع (انگلیس) بسیار دشوار بوده، با هزینه‌های بسیار بالایی همراه است. اسکاتلند سرزمینی کوچک و کم‌جمعیت است که از مواهب طبیعی مانند نفت برخوردار است، اما وابستگی اقتصادی معناداری به انگلیس داشته و از این رو گسستن این وابستگی با هزینه‌های فراوانی همراه خواهد بود به عقیده برخی کارشناسان در چنین شرایطی که این کشور از آسیب‌پذیری‌های ذاتی اقتصادی برخوردار است و در عین حال شرایط محیطی و پیرامونی اقتصادی نیز بر ضریب این آسیب‌پذیری‌ها می‌افزاید، رأی به استقلال به معنای پذیرش مشکلات و ریاضت‌های اقتصادی بود که به راحتی نمی‌توان بدان رأی مثبت داد. اصولاً جوامع سرمایه‌داری جوامعی رفاه‌طلب بوده از دشواری‌های اقتصادی به شدت گریزانند و آستانه تحمل و ظرفیت پایینی در مقابله با محدودیت‌های اقتصادی دارند. از این رو نمی‌توان نقش عوامل



اقتصادی را در تصمیم‌گیری مردم اسکاتلند در دادن رأی منفی به استقلال دست‌کم گرفت. از سوی دیگر، به عقیده برخی، ایجاد رعب و وحشت اقتصادی میان مردم اسکاتلند به دست مقامات لندن نیز تأثیر بسزایی در این زمینه داشته است.

۳-۴. مواضع سرسختانه نهادها و کشورهای غربی

به‌رغم اتحاد سیاسی در بریتانیا، کشور اسکاتلند دارای نظام حقوقی و آموزشی مستقل از انگلستان، ویلز و ایرلند شمالی است، اما در امور سیاسی بین‌المللی مانند عضویت در اتحادیه اروپایی و سازمان ملل متحد، بریتانیا به‌عنوان یک کشور عمل می‌کند. افزایش تمایلات استقلال‌طلبی در اسکاتلند و برخی مناطق اروپایی نگرانی رهبران اتحادیه اروپا را به دنبال داشته است. هیجان عمومی ایجاد شده برای برگزاری همه‌پرسی در اسکاتلند و استقلال از انگلیس زنگ خطری نه تنها برای انگلیس، بلکه برای رهبران این اتحادیه است، زیرا می‌تواند این روند را در مناطق دیگر اروپا که زمینه تاریخی و ذهنی لازم را برای جدایی‌طلبی دارند، تحریک کند. درخواست احتمالی عضویت اسکاتلند در اتحادیه اروپایی یکی از مشکلاتی بود که بعد از استقلال اسکاتلند پدید می‌آمد. البته این موضوع با مخالفت‌های جدی رهبران اروپایی مواجه شد. قبلاً نیز «هرمان وان رمپوی» رئیس شورای اروپایی مخالفت خود با استقلال اسکاتلند را اعلام کرد و خوزه مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپایی، موضوع عضویت‌های جدید در اتحادیه اروپایی را به مدت ۵ سال به حالت تعلیق درآورد. دیگر رهبران اروپایی اعلام کردند که هر منطقه‌ای که از کشور مادر جدا شده و استقلال یابد از اتحادیه اروپا بیرون نگه داشته خواهد شد و از مزایای آن بی‌بهره خواهد بود.^(۷)

بنابراین، برخی موضع‌گیری‌ها و اقدامات آشکار سازمان‌ها و کشورهای غربی برای ترساندن مردم اسکاتلند از جدایی از انگلیس مؤثر بوده است. اتحادیه اروپا، حتی آمریکا نیز به روش‌های مختلف مردم اسکاتلند را تهدید کرده بودند. مقامات اتحادیه اروپا گفته بودند که اگر اسکاتلند مستقل شود، نباید خود را عضوی از این اتحادیه فرض کند. به این معنا که اسکاتلند با جدایی از انگلیس خودبه‌خود از اتحادیه اروپا خارج شده و برای عضویت نیازمند ارائه درخواست تازه است. این دیدگاه درحالی از جانب اتحادیه اروپا مطرح شد که موضوع عضویت‌های جدید بیش از دو دهه است که به یکی از مشکلات این نهاد تبدیل شده، زیرا اعضای جدیدی را در خود پذیرفته که اکثراً با بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی فراوانی دست به گریبان‌اند و عضویت آنها به معنای تسری این مشکلات به سایر اعضاست. از این‌روست که موضوع خروج خودبه‌خودی اسکاتلند از اتحادیه اروپا به معنای انزوا در قاره بود، آن هم برای سرزمینی با ویژگی‌های اسکاتلند که در صورت جدایی نیاز بیشتری به تعامل همه‌جانبه با کشورهای اطراف خود خواهد داشت.

۴-۴. مهندسی آرا

علاوه‌بر تهدید و تطمیع مردم خصوصاً توسط مقامات لندن، بسیاری از حامیان استقلال معتقدند برخی از آرای مثبت در شهر «داندی»، به‌عنوان آرای منفی شمارش شده‌اند. همچنین گروهی از رأی‌دهندگان در گلاسکو گفته‌اند زمانی که برای دادن رأی پای صندوق رفته‌اند، به آنها اعلام شده که قبلاً با نام آنها رأی داده شده است. شبکه اسکای‌نیوز طی گزارشی اعلام کرد که اخباری از تقلب در شهر «گلاسکو» نیز منتشر



شده و به همین دلیل نیروهای پلیس به محل شمارش آرا اعزام شده‌اند. گلاسکو بزرگ‌ترین شهر اسکاتلند است و استقلال‌طلبان حساب ویژه‌ای روی آن باز کرده بودند. عده‌ای از موافقان استقلال در اسکاتلند معتقدند آرای خارج شده از صندوق‌ها رأی مردم این کشور نیست و علاوه بر تهدیدهای گسترده لندن و کشورهای هم‌پیمان با بریتانیا، تقلب در همه‌پرسی نیز آرای مردم اسکاتلند را جابجا کرده است.^(۸)

۵. پیامدهای همه‌پرسی

فارغ از نتیجه همه‌پرسی اخیر، صرف برگزاری آن بیانگر اقبال عمومی در اسکاتلند به جدایی از انگلیس است. براساس این، می‌توان مهم‌ترین پیامدهای برگزاری این همه‌پرسی را به شرح زیر فهرست کرد:

۵-۱. افول اعتبار و پرستیژ بریتانیا

نخست آنکه این همه‌پرسی از جهتی از منظر پرستیژ بین‌المللی برای دولت بریتانیا یک افت محسوب می‌شود، زیرا دولت لندن با آن سابقه امپراتوری، تا همین چند دهه پیش ده‌ها کشور بزرگ و کوچک را تحت استعمار خود داشت، اما همه‌پرسی اسکاتلند به این معناست که دولت بریتانیا به جایی رسیده که حتی در حفظ قلمروی داخلی خود نیز با چالش مواجه شده است. در توضیح مطلب باید افزود که بریتانیا پیش از این با تقاضای استقلال ایرلند نیز مواجه بوده که به استقلال بخشی از آن رضایت داد. از این رو صرف برگزاری همه‌پرسی خود بیانگر نوعی تمایل عمومی در میان مردم اسکاتلند به استقلال است و تحلیل محتوای آثار منتشره در راستای نتایج همه‌پرسی حاکی از آن است که

مردم اسکاتلند تحت شرایط محیطی حاکم با فاصله اندکی رأی به مخالفت با استقلال دادند که در غیر این صورت نتیجه دیگری از صندوق‌ها بیرون می‌آمد. این تحلیل بر افول پیش از پیش اعتبار و جایگاه بین‌المللی بریتانیا دلالت دارد.

۲-۵. گسترش مطالبات و ادعاهای اقتصادی اسکاتلند

منابع نفتی برنت دریای شمال و بسیاری از اسکله‌ها و بنادر مهم بریتانیا در اسکاتلند قرار دارند. اسکاتلند، تنها کشور عضو اتحادیه بریتانیاست که نفت دارد و دولت انگلستان برای رفع کمبود نفت مورد نیاز خود این محصول را یا از اسکاتلند خریداری و یا از نروژ و خاورمیانه وارد می‌کند. بنابراین اسکاتلند و منابع نفتی آن نقش مهمی در اقتصاد انگلیس ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد با مخالفت مردم با کسب استقلال تلاش طرفداران استقلال بر دستیابی به امتیازات و حقوق اقتصادی طبیعی بیشتر در این سرزمین متمرکز خواهد شد. در چنین شرایطی لندن با محدودیت‌های اقتصادی معناداری مواجه خواهد شد که آثار منفی آن بر اقتصاد این کشور قابل تأمل خواهد بود.

۳-۵. گسترش تمایلات جدایی طلبانه به سایر سرزمین‌های پادشاهی متحده

همه‌پرسی اسکاتلند می‌تواند پیش‌زمینه‌ای برای طرح درخواست‌های مشابه از سوی سایر مناطق از جمله ولز و ایرلند شمالی باشد. به عبارت دیگر چشم‌انداز خطر خروج آنها از اتحادیه وجود دارد. در توضیح مطلب باید افزود که مردمان ولز و ایرلند شمالی با اسکاتلندی‌ها از یک نژادند (از نژاد کلت) و مردمان بومی این سرزمین، پیش از ورود اقوام آنگلوساکسون (انگلیسی‌های امروزی) از آلمان به جزایر بریتانیا ساکن این سرزمین



بوده‌اند و نیز از نظر فرهنگی و سیاسی به اسکاتلندی‌ها وابسته و بسیار نزدیک هستند. طبیعی است که با برگزاری همه‌پرسی در اسکاتلند در سایر سرزمین‌های بریتانیا نیز این توقع ایجاد شود که محق به برگزاری چنین همه‌پرسی به منظور تعیین سرنوشت خود می‌باشند. صرف طرح این مطالبات تهدیدی بالقوه معطوف به تمامیت بریتانیا و اعتبار انگلیس است.

۴-۵. چالش خارج‌سازی سلاح‌های هسته‌ای از اسکاتلند

مسئله مهم دیگر اینکه همه سلاح‌های هسته‌ای بریتانیا در زیردریایی‌هایی قرار دارند که در پایگاه دریایی Faslane در اسکاتلند عمل می‌کنند. در واقع، پایگاه اصلی زیردریایی‌های اتمی و تقریباً همه موشک‌های بالستیک اتمی بریتانیا به نام Trident در اسکاتلند مستقرند. این درحالی است که بخشی از مانیفست طرفداران استقلال اسکاتلند، غیراتمی ساختن سرزمینشان بوده است. آنگوس رابرتسون سخنگوی دفاعی حزب ملی اسکاتلند گفته است که ما هرگز خواهان وجود سلاح‌های کشتارجمعی در اسکاتلند نبوده و نخواهیم بود. بنابراین، انتظار می‌رود که درخواست انتقال این سلاح‌ها از سرزمین اسکاتلند مطرح شود که چالشی بزرگ برای لندن محسوب می‌شود، زیرا انتقال این سلاح‌ها به انگلیس نیازمند تغییرات فراوانی در زیرساخت‌ها خواهد بود که نزدیک به یک دهه طول خواهد کشید و بیش از یک میلیارد پوند هزینه خواهد داشت. این مسئله موجب نگرانی آمریکا شده است، زیرا انگلستان، متحد اصلی واشنگتن در اروپا و در همه جنگ‌ها و آتش‌افروزی‌های جهانی آمریکا به‌ویژه در خاورمیانه بوده است.

۵-۵. کم‌بها شدن پوند انگلیس

در فرآیند قبل از همه‌پرسی و پس از انتشار اخبار درباره پیشروی کمپین موافقان جدایی اسکاتلند از بریتانیا، ارزش پوند انگلیس رو به کاهش گذاشت. کارشناسان معتقد بودند که افزایش ناگهانی قدرت کمپین موافقان جدایی اسکاتلند از بریتانیا می‌تواند ارزش پوند را به سراشیبی سقوط بکشد. کیت جاکز رئیس مرکز تحقیق مبادله ارز پیش‌بینی کرده بود در صورتی که کمپین موافقان جدایی اسکاتلند پیروز شود کاهش ۳ تا ۵ درصدی ارزش پوند تعجب‌آور نخواهد بود. طی دو هفته منتهی به همه‌پرسی، پوند کاهش ارزش ۰/۷ درصدی داشته و به ۱,۶۴۹۲ دلار رسید. این کاهش ارزش پس از آن روی داد که مؤسسه نظرسنجی "YouGov" اعلام کرد که حمایت از جنبش موافقان جدایی اسکاتلند از بریتانیا به ۴۷ درصد رسیده است. هاوارد آرچر رئیس مؤسسه اقتصادی انگلیس گفت: نظرسنجی اخیر فقط فشارها به پوند را افزایش می‌دهد. الیور هاوارد تحلیلگر بانک دویچه^۱ هم به سرمایه‌گذاران گفت: تأثیرات جدایی اسکاتلند بسیار زیاد خواهد بود. این موضوع در زمینه واحد پولی انگلیس می‌تواند منجر به بحران بی‌ثباتی در تمام سیستم بانکی انگلیس شود. وی افزود که این رفراندوم پتانسیل ایجاد تأخیر در روند بهبود اقتصاد انگلیس را دارد.^(۹)

۵-۶. گسترش تمایلات استقلال‌خواهی به سایر نقاط اروپا

گروه‌های اصلی جدایی‌طلب در اروپا شامل این موارد هستند: منطقه استقلال‌طلب باسک در شمال اسپانیا، مردم ساکن جزیره کرس که قصد جدایی از فرانسه را دارند،

۱. به‌معنی بانک آلمانی و شرکت خدمات مالی و بانکداری آلمانی و چند ملیتی است که شعبه مرکزی آن در فرانکفورت است و شعبه‌هایی در مراکز مهم جهان مانند لندن، مسکو، نیویورک و... دارد.



ایتالیایی‌های ساکن چندین منطقه شمالی این کشور و فلامان زبان‌ها در بلژیک که خواستار اختیارات بیشتر، استقلال یا اتحاد با هلند هستند. بنابراین، اروپا نیز مستعد تحركات تجزیه‌طلبانه بوده و از این‌رو به عقیده بسیاری از کارشناسان برگزاری همه‌پرسی اسکاتلند صرف‌نظر از نتیجه آن عامل محرکی برای سایر استقلال‌طلبان است که به جد درخواست خود را پیگیری کنند.

در میان مناطق ذکر شده، کاتالونیا در اسپانیا بیش از سایر مناطق به حداکثرسازی مطالبات خود در راستای نیل به استقلال روی آورده است. استقلال اسکاتلند می‌توانست الگویی برای ایجاد کشوری جدید باشد، الگویی که نه تنها برای کاتالان‌های اسپانیا، بلکه برای سایر جدایی‌طلبان اروپایی نیز که قصد دارند کشور خود را در حاشیه دریای مدیترانه به‌وجود آورند، می‌توانست کاربرد داشته باشد. کاتالونیا یک منطقه ثروتمند در شمال شرق اسپانیاست که زبان و فرهنگ خاص خود را دارد. بحران اقتصادی اسپانیا موجب تشدید تحركات مردم این منطقه برای استقلال از این کشور در ده سال گذشته شده است. کاتالونیا با زبان و فرهنگ و جنبش استقلال‌طلبانه که طی سال‌های اخیر به‌واسطه مشکلات و بحران‌های اقتصادی گسترش یافته به‌دنبال برگزاری همه‌پرسی استقلال مشابه آنچه که در اسکاتلند برگزار شده می‌باشد. به دنبال برگزاری همه‌پرسی اسکاتلند، پارلمان منطقه‌ای کاتالونیا با وضع قانونی، برگزاری همه‌پرسی درخصوص استقلال این منطقه از اسپانیا را تصویب کرده است. پارلمان کاتالونیا با اعلام این مطلب یک روز پس از رأی‌گیری در اسکاتلند به رهبران کاتالانی اجازه داد یک همه‌پرسی غیرالزام‌آور در تاریخ ۹ نوامبر (۱۸ آبان‌ماه) برگزار کنند. این قانون با رأی موافق ۱۰۶ نفر در برابر ۲۸ رأی مخالف به تصویب رسید.

«ماریانو راخوی» نخست‌وزیر اسپانیا مخالف کمپین همه‌پرسی استقلال کاتالونیاست، زیرا قانون اساسی همه‌پرسی‌هایی که دربرگیرنده تمام مردم این کشور نباشد را ممنوع می‌داند. این تصمیم درست بعد از آن مطرح شد که مردم اسکاتلند در یک همه‌پرسی مشابه با استقلال این سرزمین از بریتانیا مخالفت کردند. به‌خلاف لندن که اجازه برگزاری همه‌پرسی را به اسکاتلندی‌ها داد مادرید بر این باور است که حتی برگزاری همه‌پرسی غیرالزام‌آور نیز نقض قانون اساسی اسپانیا به‌شمار می‌رود و مقام‌های دولت اسپانیا متعهد شده‌اند که اجازه برگزاری این همه‌پرسی را از طریق دادگاه نخواهند داد. ماریانو راخوی نخست‌وزیر راستگرا و پدرو سانچز رهبر مخالف سوسیالیست اسپانیا از رأی منفی مردم اسکاتلند برای استقلال از پادشاهی متحد استقبال کرده و گفته‌اند که نتیجه این همه‌پرسی نشانگر ارزش اتحاد برای اسپانیا است. دولت اسپانیا آمادگی خود را برای بازنگری در نحوه تأمین مالی مناطق مختلف کشور اعلام کرده، ولی بر این مسئله نیز تأکید داشته که این اقدام ارتباطی با جنبش استقلال کاتالونیا ندارد.

«آرتور ماس»، رئیس دولت منطقه‌ای کاتالونیا ضمن حمایت از استقلال اسکاتلند گفته بود هم‌اینک کاتالان‌ها فرصتی مشابه فرصت مردم اسکاتلند می‌خواهند. وی اعلام کرد: اتفاقی که در اسکاتلند و انگلیس رخ داد باعث عقب‌نشینی ما نمی‌شود، زیرا چیزی که ما در کاتالونیا به دنبالش هستیم فرصتی برای رأی دادن است، فرصتی مشابه آنچه در اسکاتلند رخ داد. همه‌پرسی کاتالونیا بر خلاف رأی‌گیری اسکاتلند منجر به جدایی نمی‌شود. این همه‌پرسی از کاتالان‌ها می‌پرسد که آیا مایل به جدایی هستند یا خیر. در صورتی که پاسخ آنها مثبت باشد، ماس این اختیار را خواهد داشت تا برای (برگزاری) همه‌پرسی استقلال مذاکره کند. آرتورو ماس رهبر کاتالونیا این مسئله را رد کرده است



که مخالفت اسکاتلندی‌ها با استقلال به جنبش جدایی‌طلبی کاتالونیا لطمه می‌زند. وی در این باره گفت: آنچه در اسکاتلند اتفاق افتاده عقب‌گردی برای ما به‌شمار نمی‌رود، زیرا چیزی که واقعاً در کاتالونیا می‌خواهیم این است که شانس برگزاری همه‌پرسی وجود داشته باشد. بر همین اساس، دولت محلی کاتالونیا خواستار برگزاری همه‌پرسی سراسری در ۹ نوامبر برای تعیین وضعیت استقلال این منطقه از اسپانیا شده است، ولی دولت مرکزی اسپانیا اعلام کرده است که این همه‌پرسی غیرقانونی بوده و امکان برگزاری آن وجود ندارد.^(۱۰)

تازه‌ترین نظرسنجی رسمی انجام شده در کاتالونیا نشان می‌دهد که حمایت مردم از استقلال این منطقه از اسپانیا در ماه مارس به بیش از ۴۵/۲ درصد رسیده که این رقم نسبت به ۱۳/۹ درصد در مارس ۲۰۰۶ میلادی سه برابر شده است. این نظرسنجی حاکی از آن است که ۴۵ درصد مردم از استقلال کامل کاتالونیا حمایت کرده و ۲۰ درصد نیز از تشکیل دولت فدرال و ۲۳ درصد نیز از ایجاد منطقه خودمختار حمایت کرده‌اند.^(۱۱)

نتیجه‌گیری

بریتانیا که موجودیت خود را در پیوند تاریخی با سرزمین‌های چندگانه جستجو می‌کند، چالش‌هایی را طی چند دهه گذشته فرآوری خود داشته است. جدایی ایرلند جنوبی سرآغاز تحرکات موفق تجزیه‌طلبانه در بریتانیا بوده است که اخیراً با برگزاری رفراندوم استقلال اسکاتلند بار دیگر تمامیت آن به چالش طلبیده شد. تلاش مردم اسکاتلند برای کسب استقلال سرانجام به امضای موافقتنامه ادینبورگ منتهی شد که مجوز برگزاری

همه‌پرسی به‌شمار می‌آمد. از آنجا که گرایش عمومی اسکاتلندی‌ها به استقلال و جدایی از انگلیس بود، اکثر گمانه‌زنی‌ها و همچنین نظرسنجی‌ها حکایت از آن داشت که نتیجه بسیار محتمل همه‌پرسی رأی مثبت به استقلال اسکاتلند خواهد بود، اما شرایط محیطی در زمان منتهی به همه‌پرسی به‌گونه‌ای رقم خورد که نتیجه آن را تغییر داد. عوامل برآمده از محیط اقتصادی اروپا و بحران ناشی از آن، سیاست‌های تطمیع و تهدید انگلیس در سطوح اعلامی و اعمالی، هراس مردم اروپا به‌طور کلی و مردم اسکاتلند به‌طور مشخص از تروریسم، مواضع سرسختانه نهادهای اروپایی در تداوم عضویت اسکاتلند مستقل و تا حدودی مهندسی آرا از عواملی بودند که در ابراز مخالفت مردم اسکاتلند با استقلال سرزمین خود مؤثر بوده‌اند.

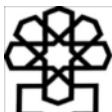
در عین حال گذشته از اینکه نتیجه همه‌پرسی رأی مثبت یا منفی به استقلال بوده، صرف برگزاری همه‌پرسی پیامدهایی برای انگلیس و سایر مناطق اروپایی به همراه داشته است. مهمتر از همه گسترش تمایلات استقلال‌طلبانه در سایر سرزمین‌های بریتانیا و همچنین در سایر نقاط اروپاست که با ادعاهای تاریخی استقلال‌خواهی مواجهند. در این میان سرزمین کاتالونیا که داعیه استقلال از اسپانیا را پی می‌گیرد، با همه‌پرسی اسکاتلند جان تازه‌ای گرفت، به‌گونه‌ای که پارلمان محلی آن موضوع همه‌پرسی اولیه را طرح کرده و تاریخ آن را نیز مشخص کرده است، هرچند با مخالفت جدی مادرید مواجه است. همچنین صرف برگزاری این فراندوم به افول اعتبار و پرستیژ انگلیس منجر شد، زیرا اکثر کارشناسان معتقدند رأی منفی به استقلال ناشی از شرایط محیطی پیش‌گفته است که در صورت نبود این شرایط بی‌شک آرای مثبت به نفع استقلال از صندوق‌ها بیرون می‌آمد. درصد نزدیک موافقان و مخالفان استقلال در همین راستا تحلیل می‌شود و پویای سیاسی بعد



همه‌پرسی نیز براساس تضارب دیدگاه‌های این دو دسته مشخص می‌شود. ازجمله مطالبات مشترک میان این دو گروه احقاق حقوق طبیعی اقتصادی این سرزمین است که از موهبت ثروت نفت برخوردار است. درخواست انتقال سلاح‌های هسته‌ای از سرزمین اسکاتلند چالش دیگری است که به عقیده کارشناسان انتظار می‌رود موافقان و مخالفان به اتفاق فراروی لندن قرار خواهند داد. بنابراین، با وجود اینکه نتیجه همه‌پرسی به نفع دولت انگلیس و موافق منافع و مواضع این کشور است، اما صرف همه‌پرسی فی‌نفسه پیامدهایی به همراه دارد که منافع لندن را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

پی‌نوشت‌ها

1. <http://www.washingtonpost.com/blogs/worldviews/wp/2014/09/19/the-peculiar-history-of-scotland-and-englands-union/>
2. **Ibid.**
3. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910320000706>
4. <http://time.com/3413925/scotland-referendum-fallout/>
5. persian.euronews.com/.../legality-of-scotland-s-independence-referendum/
6. <http://time.com/3413925/scotland-referendum-fallout/>
۷. مولایی، حسین. همه‌پرسی استقلال اسکاتلند و نسخه‌نویسی برای دیگران، تبعات همه‌پرسی استقلال اسکاتلند، در:
8. <http://www.irdc.ir/fa/content/50049/default.aspx>
9. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/346295>
10. <http://www.telegraph.co.uk/finance/economics/11112156/Scottish-referendum-damaged-UK-economy-says-survey.html>
11. www.tasnimnews.com/Home/Single/495647
12. **Ibid.**



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۰۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: همه‌پرسی استقلال اسکاتلند و پیش‌بینی روندهای محتمل

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. اسکاتلند

۲. همه‌پرسی

۳. استقلال

۴. انگلیس

۵. بریتانیا

۶. اروپا



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۷/۸